

همدلی در روزهای سخت

هنرمندان در کنار مردم

مجموعه‌ای از هنرمندان و چهره‌های سینمایی ایران طی روزهای اخیر با انتشار پیام‌ها و حضورهای میدانی، نسبت به تحولات جاری واکنش نشان داده و هر یک از زاویه‌های متفاوت دیدگاه خود را بیان کرده‌اند.

پرویز پرستویی بازیگر سینما تلویزیون و تئاتر: به خاطر ایران سکوت نکنید!



پرویز پرستویی بازیگر سینما تلویزیون و تئاتر در یادداشت اخیر خود خطاب به تمام ایرانیان ساکن در سراسر جهان نوشت: به خاطر ایران سکوت نکنید! اگر به زیرساخت کشور حمله کنید و آن‌ها رو از مدار خارج کنید شما مرتکب جنایت جنگی شدید... از ایرانیان ساکن در سراسر جهان که رسانه دارند درخواست می‌کنم، به خاطر ایران سکوت نکنید.

مریلا زارعی، بازیگر سینما و تلویزیون: فرزندان واقعی ایران، مدافعان وطن هستند



مریلا زارعی بازیگر سینما و تلویزیون در یادداشتی درباره مدافعان وطن نوشت: به مدافعان این سرزمین بگویید که فرزندان واقعی ایران شمایید. مریلا زارعی بازیگر سینما و تلویزیون در یادداشتی در مورد مدافعان وطن نوشت: متن یادداشت وی بدین شرح است: «به مدافعان این سرزمین بگویید که فرزندان واقعی ایران شمایید. ما به شما افتخار می‌کنیم و خدا را شکر می‌کنیم که سعادت زیستن در زمانه‌ای را پیدا کرده‌ایم که شما مردان بزرگ چنین حماسه‌ای را رقم زدید. در تاریخ این سرزمین شجاعت و ایمان شما به نسل‌های آینده تدریس خواهد شد و من امیدوارم به شرط حیات، دانش‌آموز این کلاس باشکوه باشم. شرمندۀ ایثار و غیرت شما.»

حسین پاکدل، نویسنده، کارگردان و بازیگر: بچه‌های ایران به عالم نشان دادند که امپراتور لخت است!



حسین پاکدل نویسنده، کارگردان و بازیگر سینما و تئاتر در یادداشتی با نام «لباس تازه امپراتور» درباره جنگ و ترامپ نوشت. متن یادداشت وی بدین شرح است: «وضعیت این روزهای ترامپ مو به مو حکایت بدیع و جذاب هانس کریستین آندرسن (لباس تازه امپراتور) را در یادها زنده می‌کند. خیاط رندی به اسم نتانیاهو این پوشش را برای قامت ناساز ترامپ فراهم کرد و به او پوشاند. بسیاری از کشورهای عربی و تمام کشورهای اروپایی - البته غیر از اسپانیا - هنگام رونمایی در انظار، با شور و شغف از آن تعریف کردند. بیش از همه خود این موجود بی‌وجود، از این لباس ناموجود خوشش آمد و باور کرد؛ بعد چپ و راست مقابل دوربین‌ها و خبرنگاران زست‌های سختی گرفت و برای جهان خط و نشان کشید. در اوج این باور فراگیر، بچه‌های ایران به عالم و آدم نشان دادند این امپراتور لخت لخت است. تا آنجا که تاریخ خوانده‌ام، طی این هشتاد سال که از زمان اختراع اسرائیل می‌گذرد، آمریکا و اروپا با تمامی امکانات مالی، لجستیکی، سیاسی و تبلیغاتی پشتیبان این رژیم غاصب و خون‌ریز بوده‌اند، سراغ ندارم جنگ مشترکی بخصوص با آمریکا آن‌هم بدین وسعت داشته باشند تا این‌گونه متحد با تمام قوا به کشوری تجاوز کنند... این درست که خسارات سنگینی از هر نظر به کشور ما وارد کردند، ولی تا این لحظه از تاریخ سراغ ندارد کسی که رئیس‌جمهور ابرقدرت آمریکا تا بدین پایه مقتض شده باشد. بطور می‌شود با و ر کرد فرعون چینی مذبذب، هو چی ،

خاله شادونه خطاب به معلمان ایران: وطن را برای فرزندانمان تعریف کنید



ملیکا زارعی مجری برنامه کودک تلویزیون از معلمان درخواست کرد در این روزهای سخت که هیاهوی جریان‌های ضدانسانی و وطن‌فروشی گوش فلک را کر کرده نگذارند فرزندان ایران په‌الگوهای جعلی دل‌ببندند. این مدعیان دیگر جایی در شناسنامه فرهنگی ما ندارند.

شما امروز، نه فقط آموزگار، که امانت‌داران بزرگ حقیقت هستید. از یاد نمی‌بریم آنها که تا همین یک ماه پیش نظریه‌پردازی می‌کردند و برای سعادت مردمشان نسخه می‌دادند اما ناگهان در این روزها هیچ اثری از آنها و نسخه‌هایشان نیست انگار نه‌خانی آمده نه‌خانی رفته. پس نگذارید این قهرمانان پوشالی جایگزین قهرمانان واقعی فرزندانمان شوند. معلمان گرانقدر شما را به خون پاک همه‌ی دانش‌آموزان معلمان و مدیران شهیدمان؛ یکبار دیگر وطن را برای فرزندانمان تعریف کنیم به آنها بگویید این روزها را فراموش نکنند. وطن، مادری است صبور و مهربان. مادری که اگرچه در طوفان حوادث زخمی شده اما با دستان شما فرزندان غیور است که استوار ایستاده و ایستاده خواهد ماند.

محمد مهدی عزیزمحمدی، نویسنده سریال «برتا»: تا آخرین ثانیه عمرم عاشق ایران می‌مانم



محمد مهدی عزیزمحمدی، نویسنده سریال «برتا» در یادداشتی که به صبا داد از ترسیم تصویری نوستالژیک ایران، از عشق عمیق و فارغ از سیاست خود به این سرزمین نوشت. مهدی عزیزمحمدی در این یادداشت آورده است: «من عاشق ایرانم. عاشق همه چیزش. عاشق تهران و شب‌های قشنگش، عاشق شیراز و عطر بهار نارنجش، عاشق اصفهان و زاینده رودش، عاشق خزر تا خلیج فارسش. عاشق مردمش!! مردم مهربان و نجیب و صبورش... اینجا خانه من است. نفس‌های مادرم در هوایش جاری است و خنده‌های پدرم در گوش خاطراتش طنین‌انداز است. من اینجا، در کوچه‌ها و خیابان‌هایش عاشقی‌ها کردم و زیر باران‌هایش بی‌چتر قدم زدم. اینجا زمین و آسمانش سهم من است، مال من است و هرچه که باشد، هر روز قلمم برایش می‌تپد. منکر نمی‌شوم که دلم از کم‌لطفی‌ها و نابخردی‌های برخی بزرگانم گرفته ولی نقل وطن، نقل دیگری است. بحثش از همه چیزها جداست. نه چپ و راست می‌شناسد، نه اینوری و آنوری! هرچه غیر از وطن، آدرس اشتباه و غلط است. مسیر درست عشق به این خاک است. خاک و وطن و دیگر هیچ... من عاشق ایرانم و تا آخرین ثانیه عمرم عاشقش می‌مانم و تا آخرین نفسم دورش می‌گردم و با صدای بلند می‌خوانم:

آباد باش ای ایران
آزاد باش ای ایران
از ما فرزندان خود
دلشاد باش ای ایران!

بی‌ظرفیت، بی‌رحم، خودخواه، بی‌ادب، بی‌فرهنگ، بی‌سواد، فاسد و واجد هزاران صفت ناپسند دیگر بر آن صندلی بنشینند و مقدرات ملت آمریکا را تعیین کند و تا این حد آبروی آمریکا را ببرد. کسی که با خونسردی علت هدف قرار دادن و غرق کردن یک کشتی بسیار دوتر از منطقه و حامل دانشجویان جوان ملوانی را محض خنده و تفریح عنوان کند. به یک مدرسه پر از کودک مظلوم شلیک کند. ملت بزرگ ایران را به حیوان تشبیه کند و لایق نابودی کامل بداند. آن بی‌وطنی‌هایی که از اوتقاضای حمله به ایران کردند و پس از حمله به ایران عزیز با کشتار مردم و امکانات کشور برایش هورا کشیدند و تشکر کردند، چطور با خود کنار می‌آیند؟ باز هم طبق معمول با سلاح ناسازهای جنسی؟!»

شکيب شجره، بازیگر سینما و تئاتر: جانم فدای ایران



شکيب شجره در یادداشتی با اشاره به واژه سه‌حرفی «جنگ» که زندگی کودکان بسیاری را نابود کرده است، نوشت: «همه جای قلب و روحم در عذاب است؛ چون تار و پود من، هویت من، وطنم ایران است. بی ایران هیچم.» شکيب شجره، بازیگر سینما و تئاتر، در یادداشتی نوشت: «جنگ... کلمه ۳ حرفی که داستان‌های هزار کلمه‌ای و زندگی‌های بیشمار را می‌توان تعریف کند، نابود کند، هیچ کند، از بین ببرد و نیست کند. این ۳ حرف رقت‌انگیز که زندگی کودکان زیادی که با مداد رنگی آینده خود را طرح می‌زنند و می‌کشیدند را نیست کرد و به جای زندگی آن کودکان اشک و غم و اندوه را برای من به جا گذاشت... همه جای قلب و روحم در عذاب و درد و رنج است. چرا؟ چون تار و پود من یعنی وطنم... هویت من یعنی وطنم... یعنی ایران... یعنی کودکان میناب، یعنی خانه‌های تهران، یعنی مغازه‌های اصفهان، یعنی گرمی و دلنشینی و مهمان‌نوازی جنوبی‌ها، یعنی تمام شهرهای ایران. ریشگی من در وطنم نهفته است. هویت من، شخصیت من در ایران و وطنم است. درد دارم از این جنگ چون تنه وطنم در غم و اندوه است و درد دارد. بی ایران، بی وطنم هیچم. جان من (شکيب شجره) فدای ایران.»

